

دبیر اعلم ساوجبلاغی و کتاب «چاره‌ساز» شرح کلمات قصار نهج البلاغه

علی اکبر صفری

دبیر اعلم، عنوان نگار، میرزا تقی ساوجبلاغی از سخنوران و نویسندگان قرن چهاردهم است. این ادیب پرمایه و شاعر گرانمایه، دانش خود را به چندین هنر، انشاء، خط، ادبیات فارسی و عربی و... آراسته و در ترجمه و شرح متون دینی به کار برده است. زیست‌نامه و آثار او که در هیچ یک از منابع زندگینامه‌ها و کتاب‌شناسی‌ها معرفی نشده است، طبقه‌ای از نویسندگان نیمه دوم عصر قاجار و تاریخ پیش از مشروطه را می‌شناساند و گوشه‌هایی از شرایط فرهنگی و اجتماعی آن روزگار را به دست می‌دهد. زندگینامه: دبیر اعلم ساوجبلاغی خوشنویس، شاعر و نویسنده روزگار قاجار فرزند رئیس محمد منشی ساوجبلاغی است.

محمد منشی ساوجبلاغی: پدر دبیر اعلم اولین منشی دیوان رسائل خاصه قاجار در فن خوشنویسی و کتابت یکی از نامداران هنر سده سیزدهم به شمار می‌رود. عنوان نگار در کتاب چاره‌ساز اشاره می‌کند که پدرش در شعر و ادب نیز دستی داشته و قصیده‌ای از ناصرالدین شاه را با مطلع (برقع از روی برافکن که همه خلق جهان / به یکی روز دو خورشید ببینند عیان) استقبال نموده و قصیده‌گرائی ساخته است. عنوان‌نگار در دیوان خود نیز گوشه‌هایی از زندگی پدر را به نظم کشیده است که در منطقه نجم‌آباد^۱

۱. روستای نجم‌آباد که مرکز دهستانی به همین نام دربخش تنکمان شهرستان نظرآباد است، قدیمی‌ترین روستای مسکونی این شهرستان و بزرگترین دهستان استان تهران به شمار می‌رود کهن‌ترین سند مکتوب متعلق به این روستای تاریخی در کتاب نزهة القلوب نوشته حمدالله مستوفی قزوینی است که در سال ۷۴۰ ق تألیف شده است. بر پایه این سند نجم‌آباد یکی از روستاهای ساوجبلاغ در عهد سلجوقیان بود و از توابع ری ثبت شده است نجم‌آباد از شمال به شهر نظرآباد، از غرب به دهستان احمدآباد، از شرق به دهستان‌های تنکمان، رامچین و سعیدآباد و از جنوب به اشتهارد محدود می‌شود. خاندان علمی شیخ هادی

ساوجبلاغ ساکن بوده و مزرعه‌ای را آباد نموده و فردآباد نامیده است.

میرزا محمد منشی ساوجبلاغی مسئولیت تحریرات محرمانه و رسائل خاصه محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار را به عهده داشته است. پدر او علیقلی و نیای او میرزا عبدالکریم نجم آبادی ساوجبلاغی نام داشته است. میرزا عبدالکریم از بزرگان حکومت عصر فتحعلیشاه قاجار به شمار می‌آید به نوشته عنوان نگار درجه اول خدمتگزاری را داشته است.

مرحوم ابوالحسن فروغی در مقدمه کتاب تحریر العقلاء تالیف شیخ هادی نجم آبادی از او چنین یاد نموده است «میرزا عبد الکریم نامی از اهل نجم آباد و مالکین آن قریه به رتبه وزارت رسیده و همان وقت در رکاب شاه حاضر بوده است» و به دستور شاه مسجد و مدرسه ای برای ملا ابراهیم نجم آبادی در روستای نجم آباد بنا کرده و پس از مهاجرت او به تهران نیز در محله سنگلج مدرسه ای ویژه برای او همراه با موقوفاتی مانند حمام و خانه برای فراهم ساخته است.^۲

نجم‌آبادی از این منطقه برخاسته‌اند. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به کتاب «نظرآباد دشتی به وسعت تاریخ» نوشته پژوهشگر ارجمند حسین عسگری.

۱. واژه ساوجبلاغ کلمه‌ای ترکی به معنی «چشمه‌ی سرد» است و بر پایه گفته دکتر محمدجواد مشکور در کتاب نظری به تاریخ آذربایجان، در اصل همان «سویوق» به معنی سرد بوده است. نظریه دیگری این نام را برگرفته از نام ساوجبلاغ مکری مهاباد می‌داند و برخی ساکنان این منطقه را از ایل افشاری ارومیه و ساوجبلاغ مکری که به دست آغا محمدخان قاجار کوچانده شده‌اند، به شمار می‌آورد که این رأی بی‌پایه و ناستوار است. این ناحیه در هفت اقلیم (احمد امین رازی؛ هفت اقلیم؛ تصحیح محمدرضا طاهری (حسرت)؛ ج ۲، تهران، سروش، ۳۷۸، ص ۱۱۵۴) جزء بلوک ری است. حمدالله مستوفی (نزهة القلوب تصحیح سید محمد دبیر سیاقی، قزوین، حدیث امروز، ۱۳۸۱، ص ۱۰۶ و تصحیح گای استرانج؛ تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، ص ۶۳-۶۴) ثبت کرده است: «ساوجبلاغ، ولایتی است که در اوان سلاجقه مال به ری می‌داده و در عهد مغول مساوی شده، هوایی به غایت خوب دارد؛ اکثر آبش از قنوات است. میر و غله بسیار می‌باشد و نانش در غایت نیکویی و حقوق دیوانی او دوازده هزار دینار مقرر است... از اعظم قرای آنجا خراو، نجم‌آباد، سنقرآباد [است]. در سنقرآباد سادات عالی‌نسب و حسب‌اند و الحال خراب است. ساوجبلاغ در زمانه دبیر اعلم آن‌گونه که عبدالعلی ادیب الملک (۱۲۴۲ - ۱۳۰۲ ق) در روزنامه سفر آذربایجان به دافع الغرور نامیده، چنین است: از منزل کرج الی قشلاق نه فرسنگ است و همه دشتش در آن فصل بهار چون نگارخانه ارژنگ. کوه و دشت سبز و نمونه باغ ارم. نظم:

از هر کناره آبی جاری به جویباران گشته چکاوک آنجا هم نغمه هزارانهر گوشه‌ای پرافشان مرغی به صوت دلکش در هر طرف تذروی در نشأه بهاران از ابتدای کرج تا قشلاق محال ساوجبلاغ است و به قدر چهل قلعه کوچک و بزرگ از دور و نزدیک در آن دشت پرگل‌تر از باغ و چمن ...

در بیان سنقر، از کرج تا سنقرآباد سه فرسنگ است و نه جای توقف و درنگ. از محال ساوجبلاغ است و در دل رعیتش از اجحاف پسر میرزا موسی هزار داغ؛ زیرا که خالصه دیوان است و مردمانش از تعدی او به جان. عبدالعلی ادیب الملک؛ دافع الغرور؛ به کوشش ایرج افشار، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹ ش، ص ۳۲-۳۳. منطقه ساوجبلاغ در شمال غرب استان تهران که از توابع کرج بوده، در ۱۳۶۸/۴/۲۱ به شهرستان تبدیل شده است و در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۸۱ با تاسیس شهرستان نظرآباد موافقت شده است.

۲. تحریر العقلاء، شیخ هادی نجم آبادی، مقدمه میرزا ابوالحسن فروغی (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸)

نمونه‌هایی از آثار خوشنویسی میرزا محمد منشی ساوجبلاغی در کتابخانه‌ها به یادگار مانده است
برخی از آثار او به چنین است:

۱- مرقع

مجموعه‌ای در ده قطعه که در تاریخ جمادی الاولی ۱۲۷۷ق به قلم نستعلیق شکسته نوشته شده و در
آن از سبک خوشنویسی درویش عبدالمجید طالقانی پیروی کرده است این اثر نفیس در مرداد ۱۳۶۱ از سوی
دکتر سید جلال الدین تهرانی وقف آستان قدس رضوی گردیده است

۲- مرقع

این اثر در کتابخانه کاخ گلستان به خط نستعلیق شکسته در تاریخ ۱۲۷۶ق به نگارش در آمده است و در
مجموعه شماره ۱۴۷۶ این کتابخانه معرفی شده است (فهرست کتابخانه سلطنتی ج ۵ ص ۲۸)

۳- مرقع

این مجموعه در بردارنده دوازده قطعه مرقع به تاریخ جمادی الثانی ۱۲۷۹ ه.ق به خط نستعلیق شکسته
بسیار زیبا کتابت شده است و در همان کتابخانه به شماره ۱۴۴۷ ثبت شده است

(فهرست کتابخانه سلطنتی ج ۵ ص ۱۰۹-۱۱۱)

۴- برگزیده اشعار فروغی بسطامی

در این نسخه سروده‌های فروغی در قالب غزل و قصیده در ستایش ناصرالدین شاه گزینش و کتابت
شده است. تاریخ کتابت و اهدای این اثر به شاه قاجار ۱۲۷۱ ه.ق است نسخه‌ای از این اشعار در کتابخانه
ملی به شماره ۷۷۸/ف معرفی گردیده است (فهرست کتابخانه ملی ج ۲ ص ۳۰۱-۳۰۳)

عنوان نگار در مقدمه شرح مثنوی امینیه به شرح زندگی پدر و نیاکان خود پرداخته است:

«درموقع تشکرات عبیدانه مفاخرت خانه زادی شاه را بر حسب لزوم اجمالی معروض میدارد پدرم
مرحوم میرزا محمد رئیس ساوجبلاغی اول منشی دیوان رسائل خاصه از آغاز جوانی بتاسی اسلاف در
خانه زادی پرورده نعمت مراحم و تربیت شاهنشاهی بود چه میرزا عبدالکریم ساوجبلاغی در زمان خاقان
مغفور فتحعلیشاه قاجار البسه الله تعالی حلال النور درجه اول را در خدمتگزاری داشت رئیس مرحوم از
عهد صبی و دوره پادشاه ماضی محمد شاه قاضی انارالله برهانه که پدرش مرحوم علیقلی حیات داشت
بتحصیل مشغول بود قطعات نوشت و مرحمتها دید بعد از آن از بدو جلوس ابد مانوس همایونی طرف
رجوع مطالب و نگارشات آمد و بتحریرات خاصه اعلیحضرت سلطانی سرفراز گردید که غالباً فرامین
ونوشجات محرمانه و رسائل خاصه مخصوص او بود مکرر بلفظ مبارک همایونی خلد الله ملکه و سلطانه
بوده که میرزا محمد شایسته است که نکات انشاء و تعلیمات و نویسندگی را درس بگوید و همانطور که
در خوشنویسی نظیر ندارد در علم درستکاری و صدق نیز سرمشق و معلم است و این غلام خانه زاد او را
در آن مجمع شریف تربیت بود»

۱. شرح مثنوی اتابکیه اقدسیه کتابخانه ملی ملک ۱۵۶۱، «مقدمه».

دبیر اعلم در سال ۱۲۶۴ در منطقه نجم‌آباد^۱ شهرستان ساوجبلاغ که اکنون جزء شهرستان نظرآباد است زندگی را آغاز کرده و در سایه فضل و تربیت و هنر پدر بالیده است. پس از دانش‌اندوزی و هنرآموزی از حضور پدر به خدمت در دیوان رسائل قاجار اشتغال یافته است.

در دیوان رسائل حکومت ناصرالدین شاه قاجار به مقام دبیری و منشی‌گری تکیه زده و در خدمت شاه جهان، قلم به دولت رسیده است. از سوی مظفرالدین شاه به لقب «عنوان‌نگار»^۲ و دریافت ماهانه سی تومان مواجب امتیاز یافته است. دبیر اعلم در منطقه بروجرد، بختیاری، خوزستان، رشت، کردستان ماموریت داشته است. او بیش از شصت سال در وزارت داخله به صدور نامه‌ها، حکم‌ها و فرمان‌های شاهانه به منطقه بروجرد، بختیاری، خوزستان، رشت، پرداخته است. آخرین سمت او در دیوان مدیر رسایل این مناطق بوده است.

شعر زیر درباره زندگی دبیر اعلم به قلم خودش از مقدمه ترجمه امینیه اتابکیه (ترجمه مثنوی معنوی به زبان ترکی) انتخاب شده است

در رسایل شصت ساله آمدم	تا از این قانون خوش واقف شدم
از شهنشاهان فرامین زیاد	بر نوشته بهر ترفیه عباد
ارثا و کسبا بدین شغل افتخار	دارد این پیر غلام جان نثار
دولتی احکام ادارات رهی	فعلا این باشد بعون اللهی
شد بروجرد و لرستان و عرب	بختیاری هم بود از آن شعب
یک هزار سیصد و بیست و چهار	سال هجری آمده اندر شمار
منشی عنوان نگار آمد تقی	نظم و نثرش را دهد حق رونقی

این هنرمند گرانمایه در فن خوشنویسی انواع خط از غبار تا کتیبه را به زیبایی می‌نوشته است و افزون بر زبان فارسی به ترکی، عربی، فرانسوی تسلط کامل داشته و آثاری به یادگار گذاشته است.

دبیر اعلم در دیوان خود از زندگی خانوادگی می‌سراید از برادرش ملا عباسعلی ساوجبلاغی که با چشمان بی‌فروغ به جهان دانش راه یافته و به وعظ و ارشاد و مرثیه‌سرایی می‌پرداخته است و همچنین از

۱. دبیر اعلم در دیوان خود سال ۱۳۱۹ ق از ملک موروثی خود نجم‌آباد که از دویست سال پیش در اختیار نیاکان و خانواده‌اش بوده نام می‌برد که عضدالدوله آنرا به ناحق جزء املاک خالصه قلمداد کرده و به سه دانگ از روستای کریم‌آباد را نیز چنین تصرف کرده است در چند صفحه از دیوان دبیر اعلم شکوه نامه‌هایی به مظفرالدین شاه و علی اصغر خان اتابک امین السلطان سروده شده است. پاره‌ای از تظلم او چنین است:

زانکه ساوجبلاغ موطن خویش بر تحفظ قبیله سعی نمود ملک موروث را به نجم‌آباد عضدالدوله برد و ظلم فزود خانواده قدیم خرد و بزرگ همه بی‌چیز گشته و مفقود

۲. دبیر عنوان دبیری: عنوان «مراسم و آداب و مقدمات صنعت دبیری است و دبیری درباره نامه نگاری است نگاه کنید به «دستور دبیری» اثر محمد بن عبدالخالق میهنی از منشیان و نویسندگان قرن پنجم و ششم که قدیمی‌ترین کتاب در این باره است.

تنها پسر خود میرزا عزیزالله که پیشه پدر را ادامه داده و در دیوان رسائل وزارت خارجه به منشی‌گری اشتغال داشته است از ملا نبی ساوجبلاغی پدر همسر خود که در پی تحصیل علم چشمان او از روشنی افتاده است. و در قصیده‌ای حتی همکاران خود را می‌شناساند: میرزا شفیق دبیر رسائل عراق [عجم]، میرزا یوسف منشی (شارق الدوله) مدیر رسائل سپاهان، خلج، ساوه، زرنند، همدان، میرزا علی خان و پسرش میرزا نعیم.

زندگی دبیر اعلم به منشی‌گری و نویسندگی در وزارت داخله قاجار و کشاورزی در زادگاه خود و تألیف و ترجمه منظوم آثار خلاصه می‌شود و افزون بر آن، چنانکه در دیوان می‌سراید مری دو صد فاضل بوده و این را فضل چندانی نمی‌شمارد. کتابهایی در علوم و فنون گوناگون قلم زده است و در آن روزگار به چهار زبان فارسی، عربی، ترکی، فرانسوی تسلط کامل داشته و آثاری به یادگار گذاشته است.

نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، مصباح الشریعه را، به شعر ترجمه کرده است. و دستور زبان و ادبیات؛ فرهنگ لغات چهارگانه، دستور انشاء، مدارج البلاغه، قزل چشمه در عروض را نوشته است.

بی تردید نخستین‌هایی در تاریخ نگارش و سرایش به نام او ویژه شده است که نشان از نوآوری و ژرف‌نگری نویسنده دارد؛ نخستین نهج البلاغه منظوم؛ نخستین صحیفه سجادیه منظوم و دیگر کتاب‌های فقهی و حدیثی و تاریخی.

دیوان عنوان نگار سرشار شکوه است از تنگدستی و درماندگی و ناصبوری. املاکی را که در روزگاران گذشته از پادشاه به تیول گرفته همراه با مزارع موروثی را حاکمان محلی تصرف کرده‌اند و در مصیبت پیری و نیستی مانده است و قصیده‌هایی در مدح حضرت امیرالمؤمنین، مرثیه‌های حضرت اباعبدالله الحسین و نکته‌هایی از زندگی پریشان او در بردارنده دیوان است.

تخلص شعری دبیر اعلم، دبیرالملک، عنوان نگار، رهی، تقی است هرچند استواری و پرمایگی در شعر او نه از جوشش که از کوشش حکایت دارد. سه غزل از دیوان او تقدیم می‌شود:

تاریخ وفات دبیر اعلم ساوجبلاغی چنانکه علامه سید احمد حسینی اشکوری در فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی و تراجم الرجال نوشته است سال‌های پس از ۱۳۴۷ قمری است.^۱ ولی فرزند مؤلف در نسخه‌ای از کتاب شکر العباد تاریخ وفات او را در ۱۷ رمضان ۱۳۶۵ ثبت کرده است.^۲

۱. تراجم الرجال سید احمد حسینی اشکوری، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

۲. نشریه نسخه‌های خطی، محمد تقی دانش پژوه، دفتر هفتم، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

آثار:

۱. نهج البلاغه منظوم

این اثر که نخستین نهج البلاغه منظوم فارسی است برای او افتخار ابد به شمار می‌آید در برگ برگ دیوان، بر این سعادت‌مندی می‌بالد و عشق می‌ورزد.
در ص ۳:

لطف مخصوص بنده را شامل
اندرین سال آمد از مولانا
نظم نهج البلاغه ترجمه‌اش
بر شهنشاه شد زبنده دعا
این سعادت به افتخار ابد
بس بود بر رهی و نیک سزا
بیست و دو بعد سیصد و الف
سال هجری که حق نموده ادا

در ص ۳۰:

نیز نهج البلاغه ترجمه کرد
میمنت را کتاب از مولا

در ص ۶۳:

این بس که محضر او چون تویی فقیر
نهج البلاغه نظم نموده نست در دعا
علمش سبب شده که چنین ترجمه کند
ور نه نکرده ترجمه‌اش نظم، مامضی

با جستجوی بسیار نسخه‌ای از این اثر در فهرس و کتابشناسی‌ها دیده نشد و امید اینکه در آینده اثری از این نسخه بدست آید و در عرصه نهج البلاغه پژوهی فروغ بگستراند.

۲. اخبار صادقیه (نظم مصباح الشریعه)

در این اثر، کتاب حدیث مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه منسوب به امام صادق علیه‌السلام که مشتمل بر صد باب است، به نظم درآمده و روز ششم ربیع الثانی ۱۳۴۲ به فرجام رسیده است. در آغاز متن احادیث و سپس ترجمه منظوم به نگارش درآمده است.

به علت تکرار ترجمه عبارت «قال الصادق علیه‌السلام» در اول هر باب و ترجمه آن به «لغت صادق» و «حضرت صادق بفرموده» و «فرمایدت صادق امام» اخبار صادقیه نامیده است. نسخه‌ای از این کتاب به خط زیبای نستعلیق در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۱۶۴ (فهرست، ج ۱، ص ۲۳۴) موجود است. نسخه دیگری از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۵۶۵ (فهرست مختصر نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، ص ۳۶) ثبت شده است.

۳. شکر العباد

این کتاب شرحی است به نثر بر کتاب مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه و به ترتیب کتاب مصباح الشریعه در صد باب. در هریک باب نخست متن و سپس شرح آمده است. نظر به اینکه فرزند مؤلف - عزیزالله - که هم خوشنویس و منشی بوده، در نه سالگی قطعه قاب آینه به پادشاه تقدیم داشته، به شکرانه، این کتاب را شکرالعباد نام نهاده و به امین السلطان میرزا علی اصغر اتابک اهدا نموده است. نسخه‌ای از شکرالعباد به خط فرزند او میرزا عزیزالله به تاریخ ۱۷ رمضان ۱۳۶۵ (پس از وفات شارح) در فهرست کتابخانه دکتر حسین مفتاح (نشریه نسخه‌های خطی، دفتر هفتم، ص ۱۸۸) معرفی شده است.

۴. نظم جامع عباسی

در این اثر، جامع عباسی از تألیفات شیخ بهائی در قالب مثنوی به نظم درآمده است. مؤلف در مقدمه آثار خود به این کتاب اشاره دارد. نظم جامع عباسی در تراجم الرجال (ج ۱، ص ۱۸۸ و ۱۸۹) نیز به نام دبیر اعلم ثبت شده است.

۵. خلاصه تواریخ

خلاصه‌ای از تاریخ عمومی ایران، از ایران قدیم تا عصر قاجار که در چهار هزار بیت به شعر درآمده است و روز جمعه نیمه شعبان ۱۳۴۲ سالروز ولادت حضرت ولی عصر عجل الله برابر با عید نوروز به پایان رسیده است. نسخه‌ای از این کتاب به نستعلیق خوش در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم به شماره ۱۶۵ (فهرست، ج ۱، ص ۲۳۵) موجود است.

۶. کنز مؤمن

منظومه‌ای در پانصد بیت درباره اصول دین و فروعات. ناظم، این کتاب را برای فرزندش میرزا رفیع نگاشته است. دو نسخه از آن به خط زیبای او در مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره‌های ۶۳ و ۱۶۳ (فهرست، ج ۱، ص ۹۳ و ۲۳۳ - ۲۳۴) موجود است.

۷. نظم کبری در منطق

کبری در علم منطق، تألیف میرسید شریف علی بن محمد گرگانی (متوفای ۸۱۶ ق) یکی از کتاب‌های درسی نظام آموزشی قدیم است که ناظم، آن را در ۲۷ رمضان ۱۳۴۱ (نزدیک به هشتاد سالگی) نگاشته است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۱۶۶/۲ (فهرست، ج ۱، ص ۲۳۶) ثبت شده است.

۸. نحو

قواعد علم نحو همراه با تمرین در یک مقدمه و سه باب؛ اسم، فعل، حرف و خاتمه که در تاریخ ۲۵ شعبان ۱۳۳۵ تألیف شده است. نسخه خطی این کتاب در مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۱۸۳/۲ (فهرست، ج ۱، ص ۲۵۸ - ۲۵۹) موجود است.

۹. منظومه‌ای در نحو

متن کتاب قبل است که در هفتصد بیت در دهه دوم جمادی الآخر ۱۳۲۵ به شعر درآمد است. نسخه این کتاب نیز در مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۱۸۳/۱ (فهرست، ج ۱، ص ۲۵۸) ثبت شده است.

۱۰. فرهنگ فارسی، عربی، ترکی و فرانسوی (دستور انشاء)

دربدارنده دستوراتی برای فراگیری زبان‌های نامبرده و شماری از لغات، تمرین‌ها، مکالمه‌ها، مثال‌ها و... همراه با تلفظ که مؤلف بخش فرانسوی آن را به حروف لاتین و فونوتیک نگاشته است. نسخه این کتاب در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۳۳۱ (فهرست، ج ۱، ص ۴۳۵ - ۴۳۶) موجود است.

۱۱. ترجمه منظوم صحیفه سجادیه

این اثر نخستین ترجمه منظوم صحیفه سجادیه به فارسی است و در نوع خود بی‌مانند و بدیع است. شمار ابیات این ترجمه منظوم که در قالب مثنوی سروده شده، ۱۹۹۴ بیت است. این کتاب به خط نستعلیق در شنبه ۱۹ شوال ۱۳۴۲ ق به فرجام رسیده است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۵۶۶ (فهرست مختصر نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، ص ۱۶۴) موجود است. احتمال دارد فهرست منظوم صحیفه سجادیه در کتابخانه دانشگاه تهران به

شماره ۳۱۰۹/۱۵ (فهرست کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۱۱، ص ۲۰۶۵) متعلق به این اثر باشد. دو معرفی از این نسخه در مجله «سفینه» سال دوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۸۴، صص ۱۰۶ - ۱۱۴ و ۱۳۰ - ۱۳۱ به طبع رسیده است.

۱۲. ترجمه منظوم صد کلمه

نویسنده، این ترجمه را با دیباجه‌ای منظوم در سه صفحه آغاز کرده است و پس از متن احادیث، برگزیده صد کلمه از کلمات قصار نهج البلاغه را به زبان‌های ترکی، فارسی، فرانسه، برگردانده است، و با خاتمه‌ای شامل یک قصیده، کتاب را پایان داده است. سامان این کلمات بر پایه حروف الفبا از باب «الف» تا باب «یاء» است.

تاریخ اتمام نگارش این نسخه، دهم شوال ۱۳۳۷ عهده احمدشاه قاجار و وزارت وثوق الدوله است. نسخه‌ای از این کتاب ارزشمند در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۵۶۴ (فهرست مختصر نسخه‌های خطی مجلس، ص ۱۶۸) موجود است.

۱۳. ترجمه عهدنامه مالک اشتر

ترجمه منظوم نامه پنجاه و سوم، بلندترین نامه نهج البلاغه، در قالب مثنوی سروده شده است. نسخه‌ای از این ترجمه در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۶۵۱۰ (فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۷، ص ۷۲، موضوع ادبیات) ثبت شده است. این اثر به محمد علی شاه قاجار تقدیم شده و در تاریخ ۱۳۲۴ ق سروده شده است ناظم در آغاز این نسخه نام رؤسای مجلس شورای ملی را به نظم کشیده است. ابیاتی از این منظومه به ستایش سید عبدالله بهبهانی اختصاص یافته است:

سید عبدالله کاندل شرع آمد حق	حجّه الاسلام باشد بس احق
در نسب لولاک آمد جد او	بهبهانی و حجازی آن نکو
سید اسماعیل مغفورش پدر	جانشین جد و بس نیکو سیر
گرجهان پر کفر باشد، کیمیاست	کفر، ایمان می کند دست خداست
عبد حق مخلوق را باشد امام	از دعایش دولت شه مستدام
از دعاگویان دولت اول است	بهر این ملت چو جان چون دلست
عالمان امت ختمی مآب	بین که احیا کرده عالم کامیاب

۱۴. دیوان اشعار

دیوان اشعار، مجموعه‌ای از شعرهای دبیر اعلم ساوجبلاغی است که در مدح رجال دربار قاجار، در قالب قصیده و نیز به همراه پاره‌ای غزل و... با تخلص «تقی» و «عنوان‌نگار» و «رهی» سروده شده است. وی دیوانی در پنج جلد تنظیم کرده که روشن نیست این نسخه کدام یک از آنهاست. این دیوان به ترتیب حروف قافیه از حرف الف تا لام تدوین و تنظیم شده است و تنها یک قصیده از لام، در ۳۸۰۰ بیت سامان یافته است. این اثر در تاریخ ۱۳۲۲ - ۱۳۲۶ تدوین شده و نسخه‌ای از آن به شماره ۴۹۹ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی (فهرست مرکز احیاء، ج ۲، ص ۱۲۰) موجود است.

۱۵. تاریخ عالم

تاریخ عمومی از آغاز خلقت حضرت آدم تا عصر قاجار، در قالب مثنوی در این کتاب به نظم کشیده شده است. این تاریخ منظوم با دیباچه‌ای در ده فایده، شرایط تاریخ‌نگاری و نیاز حکام و زمامداران به خواندن تاریخ ملت‌ها در هجده هزار بیت سروده شده است. این جلد از تاریخ عالم تا سلطنت یزگرد را دربرمی‌گیرد. نسخه این اثر نیز در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۵۰۰ (فهرست مرکز احیاء، ج ۲، ص ۱۲۰) ثبت شده است.

۱۶. ترجمه الدر النثیر فی النصیحة والتحذیر

کتابی است که در آن، حکایات اخلاقی و نصیحت‌ها و سفارش‌هایی از عربی به فارسی برگردانده شده است. در مقدمه اطلاعاتی از زندگی مؤلف قید شده است که در این نوشته بدان‌ها استناد شده است. نویسنده نسخه، نفیس و مذهب این کتاب را که به سال ۱۳۰۹ به خط زیبای نستعلیق شکسته تحریر شده است. به علی اصغر خان امین السلطان تقدیم کرده است. این نسخه به شماره ۶۳۷ در کتابخانه ملی ملک (فهرست کتابخانه ملی ملک ج ۲، ص ۱۳۳) معرفی شده است.

۱۷. شاهنشاه نامه

این اثر، ادامه شاهنشاه‌نامه‌نویسی در تاریخ قاجار است که نامدارترین آنها شاهنشاه‌نامه فتحعلی خان صبای کاشانی است. چنانچه ناظم نگاشته است «تاریخ مبارک سلاطین و ملوک قاجار وقایع یکصد و هفتاد سالی الی ... بحضور ... مظفرالدین شاه... تقدیم شود».

شهنشاهنامه بود این کتاب

بعهد مظفر شد کامیاب

هزار و سه صد نوزده بعد از آن

ز هجرت گذشته شد این باستان

این مثنوی تاریخی چنانکه ناظم نگاشته در سال ۱۳۱۹ به پایان رسیده است، در دیوان عنوان‌نگار (ص ۲۲۳) آمده که جلد دوم آن نیز فراهم آمده است به تاریخ روزگار معاصر ناظم می‌پردازد.

ز شهنشاهنامه دوم جلد

عنقریب است آید استکمال

نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه سلطنتی معرفی شده است (فهرست ناتمام تعدادی از کتاب‌های

کتابخانه سلطنتی مجلس، دکتر مهدی بیانی، ص ۴۸۳ و ۴۸۴، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۴، ص ۲۹۶).

۱۸. ترجمه امینیّه اتابکیه (ترجمه شرح مثنوی ترکی)
ترجمه فوق شرح دفتر ششم مثنوی است که از زبان ترکی به فارسی ترجمه نموده، به علی اصغر خان امین اتابک تقدیم داشته و به نام او نیز نامگذاری کرده است. «مترجم این شرح از ترکی بفارسی در ترجمه شرح اول جلد این کتاب که بنام امین السلطان وزیر اقدس اعظم... به ترجمه اتابکیه اقدسیه موسوم آمد». این ترجمه در ۲۰ شعبان ۱۳۰۶ به پایان رسیده است، نسخه خطی آن در کتابخانه ملی ملک به شماره ۱۴۸۰ (فهرست ناتمام تعدادی از کتابهای کتابخانه سلطنتی، ص ۱۴۲، ۱۴۳؛ فهرست نسخه‌های خطی ملک، ج ۲، ص ۱۲۸) موجود است.

۱۹. دستور انشاء

دستورهای عمومی برای انشاء و نامه‌نگاری، به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، فرانسوی نوشته شده و در آغاز قواعد کلی نامه نگاری و سپس چندنامه برای نمونه و تمرین به زبان‌های مذکور آورده شده است. نسخه خطی این کتاب، در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۵۰۱ (فهرست، ج ۱، ص ۱۲۱) موجود است.

۲۰. منتخب ادعیه

در مقدمه کتاب چاره ساز از آن نام می‌برد که دعاهاى ایام هفته را با همکاری فرزندش عزیزالله به خط و تذهیب زیبا نگاشته، روی جلد آن را به تصویر ناصرالدین شاه قاجار تزیین نموده است.

۲۱. قزل چشمه

اثر فوق را در مقدمه ترجمه الدر النثیر و چاره‌ساز، معرفی کرده است. قزل چشم در موضوع عروض، صنایع ادبی، معانی، بیان و بدیع است و آن را بیست سال پیش از کتاب چاره‌ساز زمانی که در خدمت پدر به مباحثه علم عروض اشتغال داشته، تألیف کرده است. نام «قزل چشمه» برگرفته از نام مزرعه مؤلف در نواحی ساوجبلاغ است که اکنون از توابع دهستان پلنگ‌آباد اشتهارد به‌شمار می‌آید.

۲۲. مدارج البلاغه

دو نسخه خطی از این اثر در کتابخانه ملی در دست فهرست‌نویسی است و مؤلف آن با نام «محمدتقی بن محمد ساوجبلاغی» معرفی شده است. در این کتاب فنون فصاحت و بلاغت و آرایه‌ها و صنایع ادبی بررسی شده است.

شماره بازیابی این نسخه‌ها ۱۴۹۵۶ ف - ۵ و ۵ - ۱۵۴۱۱ در سایت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ثبت شده است.

۲۳. کتاب چاره‌ساز

کتاب چاره‌ساز که به معرفی آن می‌پردازیم:

دبیر اعلم که عمری در فصاحت و بلاغت به رسانیده و بیش از نیم قرن به ادب، معانی، بیان به سر برده است. درباره نهج البلاغه و اعجاز سخنوری آن به ناتوانی و شگفتی آمده است و چند اثر در این موضوع از خود به یادگار گذاشته است.

گزیده نویسی از فرموده‌های امیر بیان، علی علیه‌السلام پیشینه‌ای بیش از نهج البلاغه دارد. نخستین جامع کلمات قصار، جاحظ بصری (متوفای ۲۵۵ ق) است که چون هر سخن از فرموده‌های امیرمؤمنان را برابر هزار سخن از گفته‌های عرب می‌دانست، در «مأه کلمه (= صد کلمه)» گردآورده است، و در کتاب البیان والتبیین ذیل حدیث «قیمه کل المرء ما یحسنه» می‌نویسد اگر در این کتاب حرفی نداشته باشم همین یک جمله برای ارزش کتابم کافی است.

گلچین کلمات قصار امیرمؤمنان از کتاب نهج البلاغه یا غرر الحکم شیوه‌ای کهن و استوار در حدیث نگاری است که با تدوین، ترجمه، شرح، نظم کلمات تداوم یافته است. در کتاب الذریعه الی التصانیف الشیعیه و فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه و دانشنامه امام علی (مرجع‌شناسی) و در نظام آموزشی قدیم این کتاب جزء کتابهای درسی بوده است (کیهان فرهنگی، شماره ۸، ۱۳۶۳، ص ۱۱۷ مصاحبه با استاد محمد تقی مدرس رضوی) نمونه‌های فراوانی از این دست شناسانده شده است. این کتاب و ترجمه آن در نظام آموزشی قدیم از کتابهای درسی بوده است (کیهان فرهنگی، سال اول، شماره ۸، آبان ۱۳۶۳، ص ۴، «مصاحبه با استاد سیدمحمدتقی رضوی») کتاب «چاره‌ساز» به ترجمه و شرح پاره‌ای از کلمات قصار نهج البلاغه ویژه شده است.

شناخت نسخه: این اثر در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۳۲۱ (فهرست مجلس، ج ۲۱، ص ۶۲ و ۶۳) فهرست شده است. نویسنده با خط زیبای نستعلیق در ۱۴۸ برگ و هر صفحه در ۱۴ سطر، به قطع رحلی کتاب را قلم زده است. این نسخه با جلد تیماج قرمز قهوه‌ای و کاغذ فرنگی فراهم آمده، دارای کتیبه گل بوتهدار، تذهیب و لاجورد است. متون حدیث به مرکب قرمز و شرح به مرکب سیاه نوشته شده است. آغاز آن چنین است:

ای تو نوازنده بیچارگان
ای تو رهاننده آوارگان
چاره ما ساز که بیچاره‌ایم
گمره و سرگشته و آواره‌ایم

و انجام:

شه ناصر دین که مهر و مه برده اوست
تا خیمه مشتری سرآورده اوست
گر پیر خرد امین سلطان شهست
نبود عجبی که دست پرورده اوست

این اثر با دیباچه‌ای در ده صفحه، شامل اطلاعاتی از زندگی مؤلف، خانواده، انجام وظایف او به مأموریت‌های دولتی در مناطق مختلف، سبب تألیف و درخواست‌هایی از ناصرالدین شاه، آغاز می‌شود و سپس ۷۶ کلمه از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام ترجمه و شرح داده می‌شود. اولین کلمه «کن فی الفتنة کابن اللبون...» و آخرین «ومن کلام له علیه السلام عند مسیره الی الشام...».

پایان این کتاب تقدیم نامه‌ای است به پادشاه قاجار و حکایتی از چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی در موضوع رسیدگی به نیازهای دبیران. دبیر اعلم در لابلای صفحات این کتاب از دیگر آثار خود نام می‌برد: اتابکیه اقدسیه، ترجمه جلد اول شرح مثنوی که از ترکی به فارسی (صص ۴ و ۱۳۲)، قرآنی که به خط خود نوشته است (ص ۴)، کتاب ادعیه ایام هفته با همکاری فرزندش میرزا عزیزالله (ص ۶)، کتاب قزل چشمه در علم عروض (ص ۱۲ - ۱۳) و اخبار صادقیه (ص ۱۲۳).

نویسنده با بیان اینکه هنگام تعطیلات سالانه (فصل تابستان) آرزوی زیارت آستانه مقدسه حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء را داشته، ناگزیر به علت عزیمت به ساوجبلاغ برای جمع‌آوری محصولات کشاورزی، توفیق نمی‌یابد. در فرصتی دیگر برای زیارت «مرخصی حاصل نموده، حاضر می‌شود با آنکه زاد و راحله ندارد، توکل به خدا و توسل به ائمه هدا را بهترین راحله و توشه می‌شمارد. در این توکل و توسل، ترجمه این باب از فرمایش‌های یعسوب‌الدین امیرالمؤمنین اسدالله الغالب علی بن ابی طالب صلوة الله وسلامه

علیه را بجزء واثق چاره‌ساز عبودیت خود قرار می‌دهد و این ترجمه باب شریف را که دارای انواع حکم عقلیه و نقلیه و مراتب علمیه و عملیه است، به ملایمت براعت استهلال که در توحید دیباچه به قلم رسیده، به چاره‌ساز مسمی می‌دارد و از اخلاق رئوف چاره‌ساز مستثلت می‌نماید. به تفضلات سبحانی این سفر توکل و توسل را به وسعت و نعمت دنیا و آخرت مقرون داشته و...».

با این مقدمه، کتاب را به نام «چاره‌ساز بی‌نیاز که سپاس را سزاست» نامیده و توشه زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام می‌سازد.

ساختار شرح: روش دبیر اعلم، آنگونه که در تمامی کتابهای شرح و ترجمه و تفسیر آمده است، نخست برای آشنایی خواننده، متن حدیث با اعراب گذاری کامل به نگارش درآمده؛ سپس برخی واژه‌ها و معانی آنها در ساختار جمله پژوهیده می‌شود؛ پس از آن برگردان و شرح و مفاهیم جمله نوشته می‌شود. نویسنده در

آخرین مرحله، برای تثبیت و پرداخت معنی با گستره‌ای فراتر از ترجمه به استفاده از شواهد قرآنی، روایات، ادعیه، اشعار و تمثیلات روی می‌آورد.

متن این اثر مانند نثر دوره قاجار بر پایه شیوایی و ساده نویسی است و استفاده از جمله‌های کوتاه، کاربرد فعل به صورت وصفی، حذف افعال به قرینه لفظی و معنوی، بر سادگی و روانی آن افزوده است؛ با این تفاوت که الفاظ عربی بسیار به کار رفته است. از دیگر ویژگی‌های نثر این شرح، استفاده از صفت تفضیلی به شیوه زبان عربی برای واژگان فارسی و همچنین کاربرد صفت تشبیه، استعاره کنایه، تمثیل در متن است. از نظر محتوایی این اثر از شرح نهج البلاغه ملا فتح الله کاشانی متوفای ۹۸۸ ق) به نام تنبیه الغافلین و تذکره العارفين تأثیر پذیرفته، با توجه به اشراف کامل شارح به مثنوی معنوی از این کتاب بهره بسیاری برده است. «چاره‌ساز» شرحی است که برای خواننده طبقه متوسط نوشته شده است.

شگفتی شارح از معانی بلند کلام: حضرت امام محمدباقر علیه‌السلام فرمود: خاوران و باختران را بکاوید! بی‌گمان دانش استوار و راستین را جز در اهل بیت نخواهید یافت. علی علیه‌السلام چنان که خود فرموده، سرچشمه فضایل است و انبوه فضیلت‌ها از قله‌های روح او سرازیر می‌شود و دانش راستین از کوهساران او سرچشمه می‌گیرد.

اعجاز فصاحت و بلاغت امیر کلام، علی علیه‌السلام چنان است که همه ادیبان و سخنوران در مقابل کلمات نهج البلاغه سپر انداخته‌اند و سر به تسلیم فرود آورده‌اند. دبیر اعلم نیز در برابر عبارات پر معنی و بلند به شگفتی و حیرت دچار شده که حضرت، معنی عالمی را در حرفی گنجانده است: «هریک از این فرمایشات مبارکه با علو شأنی که دارد، هر گاه کتاب شرح نوشته آید، از غرض لطایف و معانی شریفه به عجز و قصور اعتراف می‌رود که کلام الملوک ملوک الکلام معنی عالمی را در حرفی جاری فرموده» (ص ۲۲).

«ساللت کلام مبارک و حلاوت فرمایش مطاع به درجه‌ای است که در عرض و شرح و تفسیر بیان و بنان را جز به یاری خود آن حضرت صلوات الله و سلامه علیه یاری حرکت نیست و بی‌رهنمایی روحانیت این فرمایشات قوه تحریر و تقریر نخواهد بود» (ص ۶۴).

«... و قال علیه‌السلام: اذا تم العقل نقص الکلام، می‌فرماید چون به حد کمال رشید عقل و خرد، نقصان یافت کلام، که تکمیل عقل مستلزم کم گفتن باشد. در فواید خاموی بسیار نوشته‌اند که حاجت به شرح و بیان ندارد، ولی هر کس هر قدر در این مورد نوشته باشد، این فرمایش حضرت دارای همه آنها هست و الحق نظیر این فرمایش از قوه بشر خارج باشد» (ص ۱۲۶).

درباره حدیث «نفس المرء خطاهُ الی اجله»: نفس زدن مرد قدم زدن اوست به سوی مرگ، پس از پنج صفحه شرح می‌نویسد: این تشبیهی است معقول و عالی، چه اقسام سبعة تشبیه که در اول این باب باجمال عرض شد، ولی تشبیه نفس به قدم در طی اوقات معنوی و نیکو تشبیهی است برتر از علم بدیع. الحق این تشبیه در فرمایش حضرت صلوات الله و سلامه علیه بی‌نظیر و خارج از قوه تحصیلیه بشریه و تقریر و تحریر است روحنا و جسمنا له الفداء» (ص ۱۳۴).

توسل به اهل بیت علیهم السلام: ساوجبلاغی در شرح حدیث «الشفیع جناح الطالب» رشته سخن را به بحث شفاعت می‌کشد: «باید دانست که شفاعت یوم الدین در واقع تولا و تبری برای آنها عین قرب به معبود است جل شأنه. غیر از انوار طیبه این درجه را انتظار نباید داشت.

علی الله فی الامور توکلی
وبالخمس اصحاب العبا توسلی
محمد المبعوث و بسیطیه بعده
وفاطمه الزهرا والمرتضی علی» (ص ۱۲۱)

در ذیل حدیث «اولی الناس بالعفو اقدرهم علی العقوبه» نگاشته است: «امیدوارم رؤف غفور با کمال قدرتی که دارد از اعمال ناشایسته و عقوبت این فقیر بی مقدار عفو فرماید. یا ذالعفو والرضوان بجاه محمد وعترته الطاهره».

مؤلف در صفحه ۱۰۴ در محبت ولایت می‌نویسد:

ایا خلیفه نوروز و خواجه شب قدر
که مفتی دو جهانی و مقنی یم و کان
منت خدای نمیدانم اینقدر دانم
که بحر معرفتت را کرانه نیست عیان

چهره منکران روز غدیر
شکرلله که نیستم منکر
روز محشر شود سیاه چو قیر
بر ولای امیر کل امیر

استفاده از آیات و روایت و ادعیه

شارح برای پربار کردن و افزودن به غنای علمی این شرح، به آیات و روایات و ادعیه استناد نموده، فروغی دیگر به معنی و معنویت کلمات بخشیده است. در پرتو این ارتباط مفاهیم بلند و استوار، می‌توان به سرچشمه وحی و عترت ره برد؛ خاصه اینکه نویسنده با قریحه‌ای ادبی و بلاغی به شهود و رهیافتی نو دست یافته است. در باب توکل نگاشته است: «در کلام قرآن مجید می‌فرماید: «ومن یتوکل علی الله فهو حسبه» و هم می‌فرماید: «وعلی الله فلیتوکل المؤمنون». منقول است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، هر شب موقع خواب این دعا را می‌خواندند: «اللهم اسلمت نفسی الیک و فوضت امری الیک والتجأت ظهری الیک» (ص ۷۵).

در شرح حدیث «فاعل الخیر خیر منه و فاعل الشرّ شر منه» می‌گوید: «... کما قال تبارک و تعالی فی سورة الانفال، «واتقوا فتنه لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصة» یعنی ای مؤمنان پرهیز کنید از بلیه و عذابی

که نمی‌رسد از شما مخصوص به کسی که ظلم کرده، یعنی اصابت می‌کند اعم از ظالم و مظلوم... ، آیات مبارک، برهانی است که فاعل شر از خود شر شتر است از طفیل او شر به وجود می‌آید؛ مثل آنکه از وجود قوم موسی ناشی شد و مضرات آن به عالمی اصابت کرد» (ص ۸۳).

درباره حدیث «... ولا ظهیر کالمشاوره» با اشاره به شرایط و وقاعد انتخاب مشاور، نخستین گام را این می‌شمارد که محک تجربه به میان آید و با اشاره به «معروف بودن» مشورت با زنان و عمل برخلاف گفته آنان مردانگی را صفت مشاور می‌داند و نه جنسیت او و می‌گوید بسا مردانی که به جز نام مردی هیچ ندارند.

شرح صنایع ادبی: دبیر اعلم برای معرفی فصاحت و بلاغت حدیث، ناگزیر شماری از صنایع ادبی را برای خواننده شرح می‌دهد: صفت تشبیه همراه با مثال‌های گوناگون (ص ۱۴)، سجع و انواع آن: متوازی، مطرف، متوازن (ص ۳۱)، صنعت مراعات النظیر (ص ۳۲)، صنعت اشتقاق (ص ۵۷) و صنعت استعاره (ص ۶۵).

ذیل حدیث «عجبوا لهذا الانسان ینظر بشحم ویتکلم به لحم...» صنعت تضمین مزدوج را چنین می‌آموزد: «صنعت تضمین مزوج چنان باشد که دبیر یا شاعر بعد از آنکه حدود اسجاع و قوافی نگاه دارد و شرایط آن را به جای آورد، در اثنای قراین یا در اثنای ابیات دو لفظ مزدوج یا بیشتر به کار برد؛ مثال از قول پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله: «المؤمن دعب لعب که حرف اول در دعب و لعب مختلفند؛ همچنین در کلام مبارک حضرت سلام الله علیه شحم و لحم مزدوجند. (ص ۵۷).

استفاده از امثال و حکم: تلاش نویسنده بر این است تا متن را از یکنواختی و پیچیدگی بیرون آورد؛ از این رو با ذوق ادبی و طبع شاعرانه خود، به گفته‌های بزرگان و شاعران استناد می‌کند و از لطافت و زیبایی متون ادبی بهره می‌جوید.

«قال ابوهاشم: قلع الجبال بالابر ایسر من قلع صفة الکبر [از جای کردن کوه‌ها به سوزن، آسان‌تر است از چیرگی بر خودبینی]» (ص ۴۲).

«از بوذرجمهر حکیم پرسیدند فرق میان لئیم و کریم چیست؟ گفت: الکریم من استوی عنده الذهب وفضة وسایر الاحجار واللئیم من استوی عنده الذهب وفضه وسایر الاحجار»؛ یعنی کریم از راه استحقار خاک و زر را یکسان می‌شمارد؛ همان‌طور که خاک در نظر بلند مرد کریم، بی‌قدر است، به طلا و نقره نیز وقتی نگذارد و لئیم دنی همان قسم که از روی استعظام و نقره و زر و یواقیت و دُر به نظر جلوه دارد و حجر و مدر کوی و رهگذر را نیز موجب ثروت می‌داند که به انفاق مشتکی خاک راضی نشود» (ص ۱۰۹).

«جنید بغدادی می‌گوید: النعمة العظمی الخروج عن النفس لان النفس اعظم حجاب بینک و بین الله» [رهایی از بند خویش نعمت بزرگی است که میان تو و خداوند حجابی بزرگ‌تر از آن حایل نیست] (ص ۱۳۰).

با دست تهی آمده‌ام ز آنکه نزبید

جز دست تهی تحفه خداوند کرم را (ص ۹)

در ره عشق از آن سوی فنا صد خطر است
تا نگویی که چو عمرم به سر آمد رستم (ص ۲۱)
ای گل به شکر آنکه شکفتی به کام دل
با بلبلان بیدل و شیدا مکن غرور (۳۹)

نمونه‌ای از شرح: قال علیه السلام: «امش بدائک ما مشی بک». (ص ۵۹ - ۶۰)
در این عبارت موجه از بدیع صنعت اشتقاق است که امش و مامشی هر دو از یک مأخذ و از مشی مشتق‌اند؛ چنان که در مثال این صنعت و بقای آن حضرت گفته‌اند:

بقیت بقاء الدّهر یا کھف اھله
وهذا دعاء للبریة شامل

می‌فرماید بر و به راه صبر و صبر کن به مرض و آنچه ناگوار است به تو؛ یعنی از درهایی که داری. ای اصبر علی الداء اینجا مقصود، مدارا با درد پنهان داشتن است. آنچه دیده و شنیده شده، دردهای بسیار بزرگ از نهفتن و پنهان داشتن به وسیله اندک معالجه و تفضل الهی علاج شده و دردهای مختصر از زیادی وجع با این و آن و شهرت موجب هلاک آمده [است] احادیث و اخبار و کلمات بزرگان در اثبات این معنی است:

گفت پیغمبر که هر که سر نهفت
زود باشد با مراد خویش جفت

الحاصل خود را منسوب به دردی داشتن کأنه ناشکری از حضرت خلاق ودود است و این ناشکری ملالت دارد و با این وجه «لخمول راحة والشهرة آفة» اگرچه معانی دیگر هم دارد، خالی از مناسبت نیست که در امراض صوریه نیز پوشیدن دردها تشکرات عبیدانه است که همان صبر و تشکر و معالجه امراض صوریه و معنویه خواهد بود و می‌شاید که مراد از داء درد عشق الهی باشد که این درد در نزد انبیاء و اولیا پسندیده است و هیچ وقت از این درد خلاص نجویند:

درد دفتر طیب خرد باب عشق نیست
ای دل به درد خو کن و نام دوا مپرس»



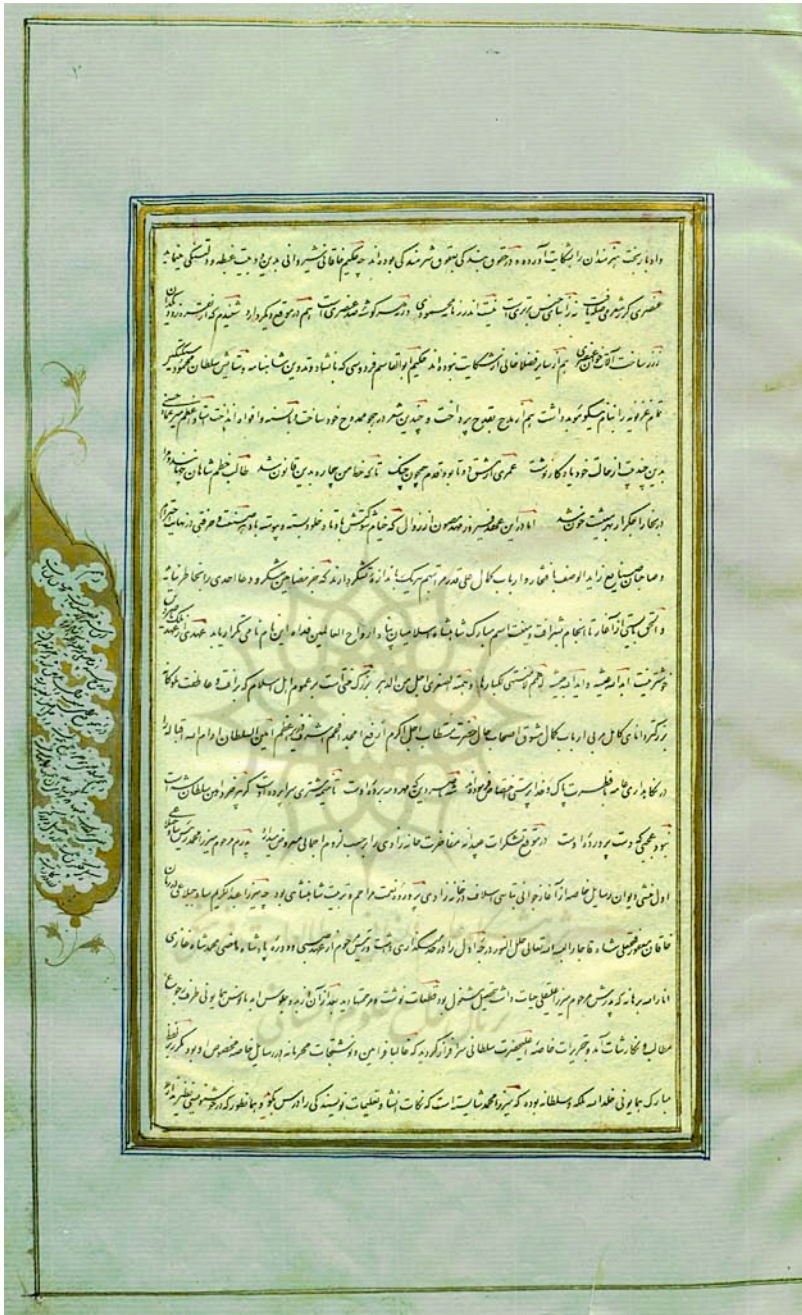
پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۸ / تابستان ۱۳۸۹

ترجمه الدرالنثیر فی الخصیحة و التحذیر (کتابخانه ملی ملک، شماره ۶۳۷)

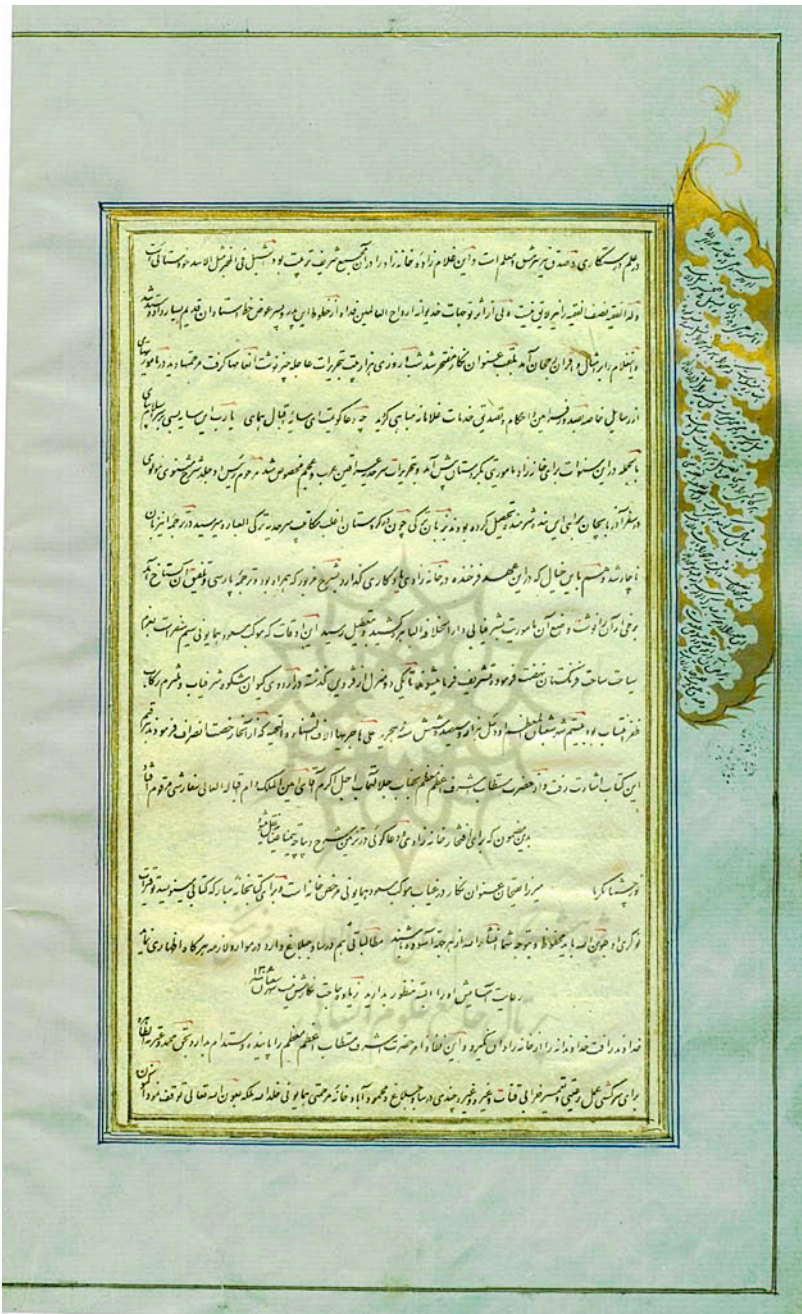


پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۸ / تابستان ۱۳۸۹

آغاز ترجمه شرح مثنوی معنوی (کتابخانه ملی ملک، شماره ۱۴۸۰)

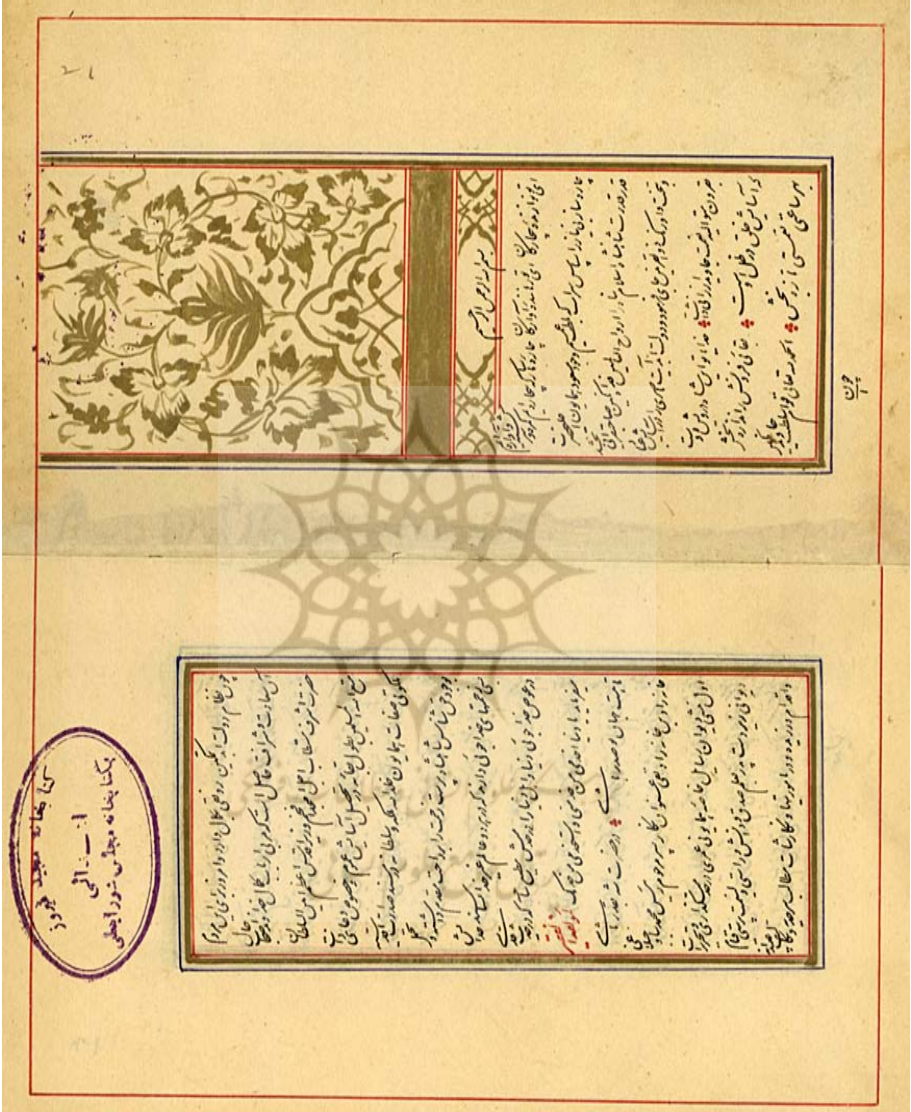


ترجمه شرح مثنوی معنوی (کتابخانه ملی ملک، شماره ۱۴۸۰)



پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش ۸ / تابستان ۱۳۸۹

ترجمه شرح مثنوی معنوی (کتابخانه ملی ملک، شماره ۱۴۸۰)



کتابخانه مجلس شورای اسلامی
 شماره ثبت: ۱۰۰۰۰
 شماره ثبت: ۱۰۰۰۰

چون تمام دولت بگین روی کلان دارا و در روزی از ام
 که سارت شرافت جمال سکری را با کمال توان و
 حضرت شرف شهاب علی هم فخر و تفضل انعم من ال
 شیخ که سپهر علی بن محمد گسول آقا شرف هم حضور
 کلونی خات جابون غلام که در کمال تکریم حضرت
 بود در زمان سرش بنا بر دست رفت در اوقات تمام
 سلی هم خواجه جونی داده کرده در تمام خدمت که
 در موضع خونی دنیا را با نیا در خدمت شیخ که در
 میباید با دنیا انصافی شیخ و کسوفی رنگ از
 آفت جهان اصداد شکسته در حضرت شرف
 فخر دروغ نزار و فخر سوزان کار بر سر هم
 اول شیخ جونیان سال فخر سپهری و شیخ
 درانی نبودت بر علم صدق دانش است
 در تمام روز در راه دنیا و کار خات کتاب بر سر

سید ابراهیم الحسینی
 این نامه در کمال آشنایی و در کمال چاره ساز و چاره
 چاره ساز و در کمال آشنایی و در کمال چاره ساز
 در حضرت شرف شهاب علی هم فخر و تفضل انعم من ال
 وقت در کمال آشنایی و در کمال چاره ساز
 شرف شهاب علی هم فخر و تفضل انعم من ال
 که سارت شرافت جمال سکری را با کمال توان و
 حضرت شرف شهاب علی هم فخر و تفضل انعم من ال

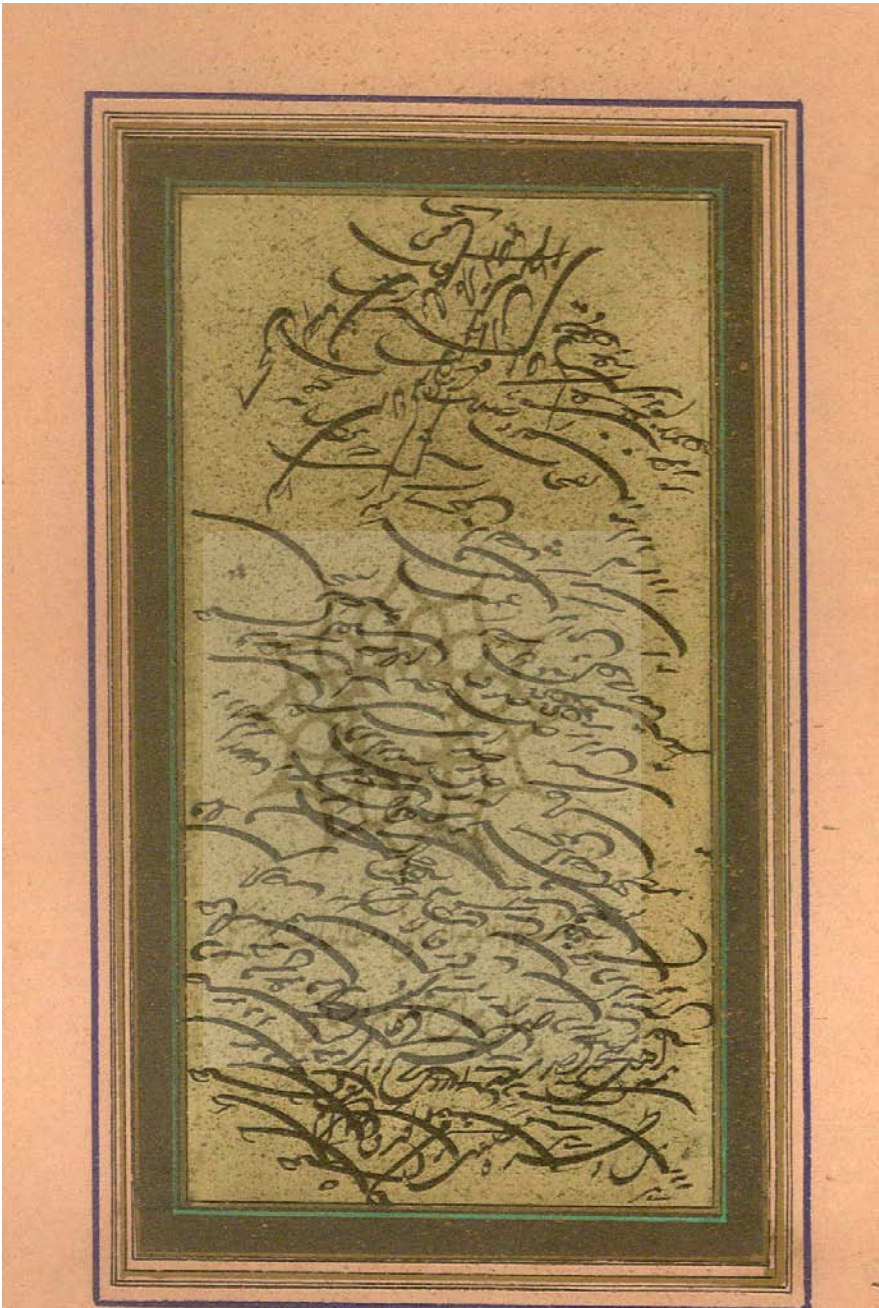
آغاز کتاب چاره‌ساز (کتابخانه مجلس، شماره ۳۲۱ مجموعه فیروز)

از این دولت عالم و دولت و این عهد فروردین ماه
 مین باصلح عالم و در پارسستان خواجه بود و از این
حکایت در عهد و تقالید و وضعی بود است
 و خروسی قانعی از دستمندی است شرف کشتی قار
 در عهد مکاری و دستمندی است از عهد و ولایتی خط
 کلام الله محمد باقی برودن بدو صاحب این صفت نیک
 فرقی با یک رنگ است طالب بزرگ و شیری من
 سخن را زکی را دستان قدیم با سکا فی مشرب
 فرموده افغان و ماسکلی از دول صاحب در زمان
 یاد داشت نمودند تا در شمسید تمام در جهان
 درین کارش نامه فراموشی که عرق حرم کورک
 اصلاح دولت و ملت را یک فکر انجام و اجاز
 خاندان سید و گفت درها نژاد لادم
 با دانه کلوش ارم کسبخت که در زمان دولت عادل

لامت

که در شمسید این طایفه است بود یکی دست پرورد
 رسال خاصه مانوی که در نوع حرمت در
 شمول خانه درین خانه در حق عنوان کانی
 امیر این کمال است این دست معانی خود مبارک
 که در عمل خوانده را بکلام صحابی عرب
 که در کمال است این طایفه است در زمان و بر
 اول این همه را با آفران برادر حجابان که سوز
 حال رسیده و که به هر دانست الکافی از رحمت بود
 و چند ان صفت که در کاران قبل کلمات شمسید
 دان کلمات شرفه در دولت را متروک کار و در
 اول این همه را با آفران برادر حجابان که سوز
 حال رسیده و که به هر دانست الکافی از رحمت بود
 و چند ان صفت که در کاران قبل کلمات شمسید
 دان کلمات شرفه در دولت را متروک کار و در

آغاز کتاب چاره‌ساز (کتابخانه مجلس، شماره ۳۲۱ مجموعه فیروز)



مرفق به قلم میرزا محمد منشی ساوجبلاغی (پدر دبیر اعلم)
نسخه شماره ۱۲۳۲۲ (کتابخانه آستان قدس رضوی)



مربع به قلم میرزا محمد منشی ساوجبلاغی (پدر دبیر اعلم)
نسخه شماره ۱۲۳۲۲ (کتابخانه آستان قدس رضوی)

برخیزد آن کجا رهبر لیل بر ستا و ایستاد
تو کجاست ای کجا رهبر لیل بر ستا و ایستاد

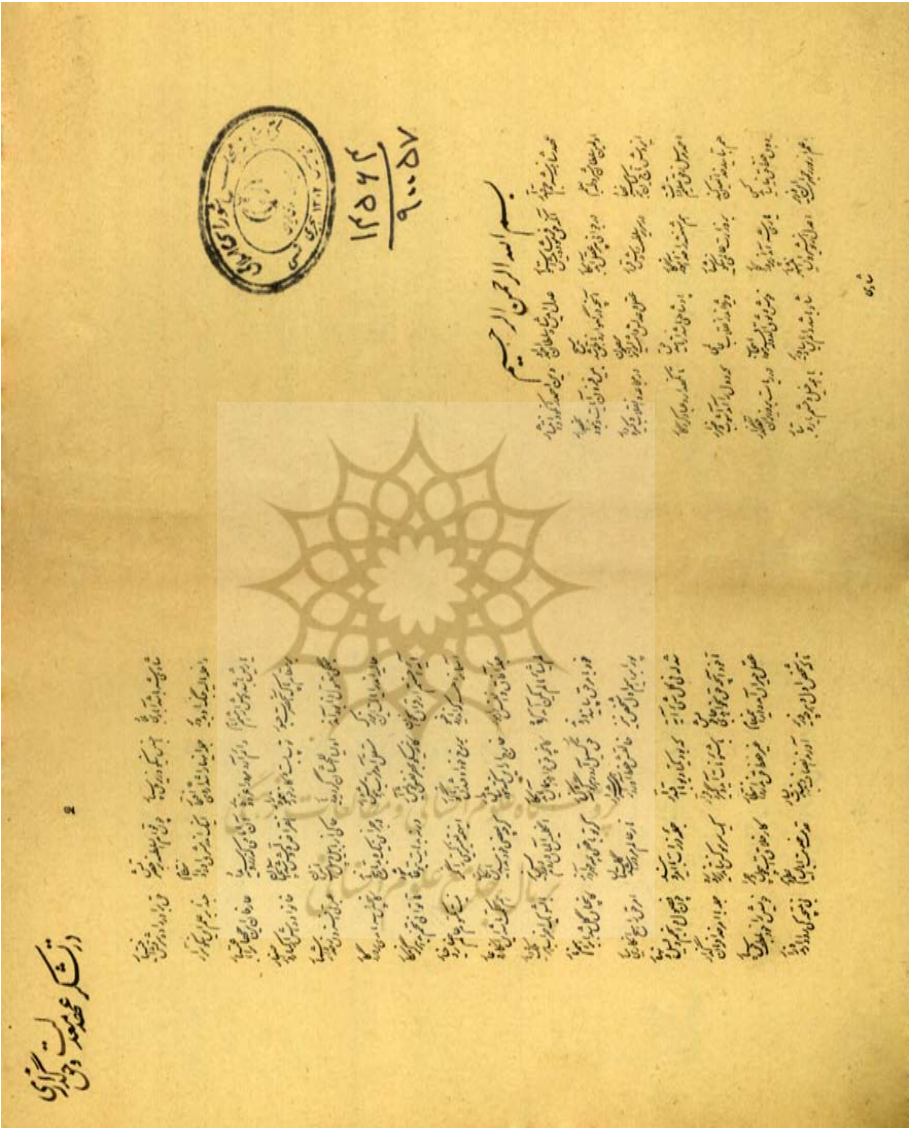
بسم الله الرحمن الرحیم
حقانی دولت ایران بفرز دولت و فرزند
ارمنش و جویشین دولت است ستارگان
آیه که شهرها را می نهد دولت است ستارگان
بن بر یک کسم پناز من علمای پیش روز را
آتش دوزخ جهان بکوز از عمارت علی ارشاد کرد
عام آدمی عرفتند را بر سر لشکر از رضوان
آن یکا نی تی قوتش بر منغور از پیش روزی
پوش ما سلطان امیرا کو در پیشش لطف کرد
چون روزی فردا را رسید دولت است ستارگان
شده جفا فان شهرت آن بر آتش است ستارگان
طریق حال اشکبارا بر کجا در فریفته روز ادا

این

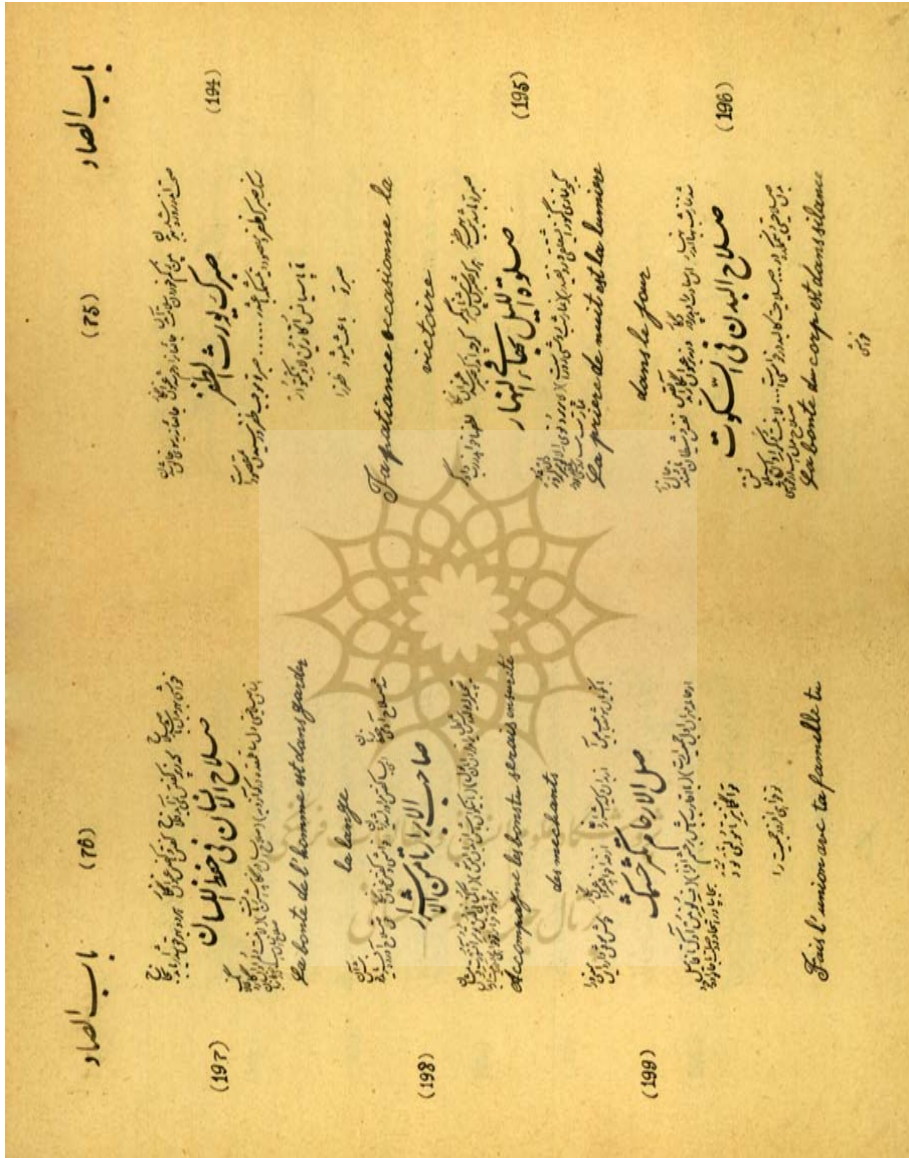
این عالمگیر من در سالان کجاست ستارگان
عجبت بشنید با دید با پیشانی پر میاداد
ببیند چشم با نام کوهها علی هفتش در
شرف تو این محمد انشا که جای جسم فضیلت کرد
زین خیریت تا چشم پر ختم زود کرم از مظلوم
شرم سنگداری با شرمسایع جوهر آینه
علم ارضی جان سنگداری کاکیا بخت علم سوز
آینداده هکند ز شیطان در شکار از دهنی بخت
از عادت شرم بر سر آینه شرف خان جان بانی جان
صلوات دارم از تو که بخت علم با بخت زنی آمدند
انجا پر جان علم چون آتوانی علم بانی گین
اولی بی دولت علم در آری بی خدمت شده بود
بر کجا در کبر سر هم پیش صدشان بر آرزو پیش
بر آرزو سرافقان سخن کجا با پید روز اسک
نگارند فاعض علیان کرد بر او ان شایسته
کجا بر این بیست ستم عوضی خال بی چو شتم
عجبت شایلی با عیش علم آرا که چون در

در استیلا است خجسته و

آغاز ترجمه منظوم عهدنامه مالک اشتر
(کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۶۵۱۰)



آغاز ترجمه کلمات قصار نهج البلاغه به نثر و نظم فارسی، عربی، ترکی و فرانسوی
کتابخانه مجلس، شماره ۱۴۵۶۴



ترجمه کلمات قصار نهج البلاغه به نشر و نظم فارسی، عربی، ترکی و فرانسوی
 (کتابخانه مجلس، شماره ۱۴۵۶۴)



خوشنویسی میرزا محمد منشی ساوجبلاغی
(کتابخانه مجلس، مجموعه ۵۱۲۱)